

چکیده

مسلم است هر جامعه و تمدنی در پی سعادت است که، بسته به مبانی باورها و اعتقادات اعضایش، مختصات ویژه‌ای دارد و راههای وصول به آن نیز در جوامع و تمدن‌ها متفاوت است. یکی از محورهای مهمی که بیشتر جوامع به آن توجه دارند و آرزومند آن هستند یا معتقدند روزی به منصف ظهور خواهد رسید، جامعه‌ایدال و عادلانه و صلح‌آمیز و امن و سعادت‌مندانه‌ای است که در آن اثری از ظلم و تبعیض و ناامنی و تعدی نباشد. یکی از ارکان مهم این آرمان انسانی، اعتقاد به منجی و رهبری است که هدایت جامعه بشری را عهده‌دار شود.

اینک که در آستانه سال گفتگوی تمدن‌ها، یعنی سالی هستیم که جامعه جهانی پذیرفته است در آن به جای مخاصمه و برخورد و جنگ به گفتگو پردازد و در واقع انسان بودن را تجربه کند، با عنایت به اینکه اعتقاد به منجی در کنار آرزوی جامعه سعادت‌مند بدون ظلم و تبعیض یکی از ارکان مکاتب الهی است، بنابراین ویژگیهای جامعه آرمانی انسانی و چگونگی وصول به آن و همچنین شناسایی مختصات رهبری آن موضوعاتی هستند که می‌توانند بعنوان یکی از مهمترین محورها مورد گفتگو قرار گیرند. قل یا اهل

الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شیئا: بگو ای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم.^۱

مقاله حاضر موضوعات زیر را مورد بحث قرار خواهد داد:
* کلیات، مشتمل بر موضوعات مرتبط با گفتگوی تمدن‌ها؛
* گفتگوی داخلی مذاهب و ملل اسلامی؛

* گفتگوی امت اسلامی با دیگر ملتها و

تمدن‌ها؛

* ویژگیهای جامعه آرمانی؛

* ویژگیهای منجی و رهبر جامعه

آرمانی.

۱- مقدمه

برای گفتگوی تمدن‌ها، هم موضوعات متعدد و متنوعی می‌توان برگزید و هم با زبانها و ابزارهای مختلف می‌توان به آن پرداخت. نکته مهم این است که در این زمینه نیز همانند بسیاری زمینه‌ها نباید اولاً به صورت انفعالی عمل کرد، ثانیاً به موضوعات روزمره و مصادیق پیش پا افتاده پرداخت و ثالثاً اسیر جو حاکم جهانی شد و توجه را بر جنبه مادی حیات انسان متمرکز کرد؛ بلکه بهتر است برای این گفتگو که طبیعتاً کاری ممتد و مداوم خواهد بود برنامه‌ای جدی و بلندمدت تدوین شود که بر پایه آن مبانی اصلی حیات انسان مورد توجه قرار گرفته باشد. در این راه همت، جدیت، پشتکار و کنکاش در متون و موضوعات مختلف اسلامی برای تبیین موضوعات و روشها و مصادیق گفتگو ضرورتی انکارناپذیر دارد. همه موضوعات مطرح در اسلام (حتی اگر مستقیم یا ظاهراً مشهود نباشد) می‌تواند درسی و نکته‌ای در این زمینه در اختیار قرار دهد.^۲ به هر روی در این وجیزه امکاناتی که مسأله «انتظار» و «منجی» برای افزایش توان و موضوعات مورد نیاز در زمینه گفتگوی تمدن‌ها در اختیار مسلمانان می‌گذارد به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲- کلیات

در مورد ویژگیها و موضوعات مرتبط با گفتگو، مباحث مختلف و متنوعی قابل طرح است که در اینجا به اختصار به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

* اهداف گفتگو و ارتباط بین تمدن‌ها، از نظر تمدن‌های مختلف می‌تواند مشتمل بر یک یا چند موضوع همچون: قصد هدایت جوامع و تبلیغ آراء و نظریات، اخذ آداب و سنن نیک،

منجی: محوری

بنیادین برای

گفتگوی تمدن‌ها

نگارنده: دکتر محمد نقی زاده

عبرت‌گیری، تبادل آراء علمی و مبادله هر گونه دانش و محصول باشد.

* معنای گفتگو: دو طرفه بودن از مهمترین عوامل گفتگوست، بدین معنا که تنها «گفت» از يك طرف و شنیدن از طرف ديگر مطرح نباشد ضمن آنکه استقلال و هویت و احترام طرفین نیز محفوظ بماند.^۳ به عبارت دیگر، توجه به معنای گفتگو نیز اهمیت دارد. «دیالوگ»، گفتگو و مذاکره به معنای متداول نیست بلکه هم سخنی است و در هم سخنی بیش از آن که زبان گشوده شود، گوش باید باز باشد. آن که گوش باز ندارد و خود را نیازمند شنیدن نمی‌داند برای گفتن نیز سخنی ندارد.^۴

* ابزارهای گفتگو: اصطلاح «گفتگوی تمدن‌ها» منحصر به تبادل کلام نیست و هر آنچه بتواند ارتباط دو یا چند تمدن را برقرار کند و به اهداف گفتگوی تمدن‌ها جامعه عمل ببوشاند وسیله‌ای برای گفتگوی تمدن‌ها تلقی می‌گردد. بنابراین همه علوم، فنون، صنایع، هنرها، آداب و رسوم و سنت‌های فرهنگی و دینی و هر آنچه محصول فکر و اندیشه بشر و حامل پیامی باشد می‌تواند در خدمت گفتگوی تمدن‌ها قرار گیرد. نکته مهم در استفاده از این وسایل این است که در گفتگو باید تعادل و توازن بین طرف‌های گفتگو وجود داشته باشد. در این زمینه اسلام می‌تواند موضوعات متنوعی را در همه مقولات حیات و بویژه از بعد معنوی برای گفتگو مطرح نماید؛ ضمن آنکه بسیاری موضوعات که ظاهراً به بعد مادی حیات مربوط می‌شود دارای وجهی یا باطنی معنوی و روحانی نیز هست.^۵

* در مورد علل انتخاب موضوع «منجی» بعنوان الهامبخش گفتگوی تمدن‌ها می‌توان گفت که در گفتگوی تمدن‌ها الزاماً صحبت رو در رو مطرح نیست و آنچه مهم است تأثیر بر طرف مقابل و ایجاد همدلی در جامعه بشری است، و توجه به موضوعات مورد علاقه انسانها (که البته می‌توانند تعاریف متفاوتی نیز داشته باشند). «رهبر» و «جامعه آرمانی» نیز از ابزارهای این اثرگذاری است. موضوعات مرتبط با جامعه

آرمانی با همه معانی معنوی و نمادینی که در آنها مستتر است می‌تواند بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای غیرکلامی مطرح شود بدین ترتیب که با شناسایی و تدوین ویژگی‌های چنین جامعه‌ای، اولاً امکان تلاش برای گسترش دادن آنها در جوامع کنونی فراهم آید، ثانیاً برای معرفی ویژگی‌های تمدن مورد نظر اسلامی به جهانیان از این ویژگی‌ها استفاده شود، و ثالثاً بعنوان معیارهایی برای ارزیابی آنچه از دیگر تمدن‌ها به جوامع اسلامی وارد می‌شود مورد استناد قرار گیرد.

* مخاطبان: از آنجا که اولاً یکی از وجوه اصلی اسلام جهانی بودن آن است و ثانیاً مخاطب آیات قرآنی هم «انسان» (به‌طور عام)، هم «مؤمنان و مسلمانان» و هم «غیرمسلمانان» (به‌طور خاص) هستند می‌توان گفت که اساساً در گفتگوی تمدن‌ها پیام هر گروهی از مسلمانان متوجه دیگر ملت‌های مسلمان و نیز ملت‌های غیرمسلمان است. بنابراین مخاطبان پیام‌های مربوط به ظهور منجی را نیز می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: يك دسته ملل و فرق و آحاد مسلمین و دسته دوم ملل غیرمسلمان. معرفی و تبیین ویژگی‌های منجی و جامعه آرمانی بعنوان بیان تفکر اسلامی و بیان نحوه نگرش اسلام به جامعه بشری و ارتباط انسانها با یکدیگر و با محیط و با جهان معنا ضرورت تام دارد. این معرفی و تبیین می‌تواند بعنوان یکی از مهمترین زمینه‌های گفتگوی تمدن‌ها مطرح باشد.^۶

۳- گفتگوی داخلی ملتها و مذاهب

در گفتگوی داخلی مسلمانان، مباحث قابل طرح عبارت از اهداف و ثمراتی است که در اثر توجه به منجی و مهدویت بر ارتباطات مسلمین اثر می‌گذارد. این مباحث در قالب معرفی هویت واحد و وحدت مسلمانان در برابر غیرمسلمانان تجلی خواهد کرد. شایسته ذکر است که تمدن اسلامی دربرگیرنده بسیاری ملل و فرق با سنت‌های گوناگون اجتماعی و خرده فرهنگی بومی است که علیرغم وحدت در بسیاری زمینه‌ها، در برخی امور هم اختلافات، تمایزات یا

○ هر جامعه و تمدن در پی سعادت است که، بسته به مبانی باورها و اعتقادات اعضایش، ویژگی‌هایی دارد و راه‌های دستیابی به آن نیز در جوامع و تمدن‌ها متفاوت است.

○ از محورهای مهمی که بیشتر جوامع بدان توجه دارند و آرزومند آن هستند یا معتقدند روزی تحقق خواهد یافت، جامعه آرمانی و عادلانه و صلح آمیز و امن و سعادت‌مندی است که در آن اثری از ظلم و تبعیض و ناامنی و تعدی نباشد.

بهرتر بگویم تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که این تفاوتها برخی اجتناب‌ناپذیر و بدون اشکال است و برخی نیز ممکن است بتواند به وحدت اسلامی خدشه وارد کند. دسته اول مثل زبانها، شیوه‌های زندگی و رسوم محلی و پوشش‌های متفاوت و... اجتناب‌ناپذیر است و غالباً می‌توان از آنها بعنوان تفسیر محلی و بومی اصول و ارزشها نام برد. برخی دیگر از تمایزات به تفاوت تفسیر و برداشتها از اصول و تعالیم اسلامی مربوط می‌شود که در این زمینه توجه به نکات زیر ضرورت دارد: اولاً این مباحث باید در حوزه علمای و فقهای اسلامی مورد بحث و مذاکره قرار گیرد و بازتاب آن تا هنگامی که نتیجه‌ای مفید به حال مسلمانان حاصل نشده به میان مردم نیاید. ثانیاً باید به جد مراقبت کرد که معارضان نتوانند از گسترش این اختلاف در جهت تفرق و تشتت در میان مسلمانان بهره‌برداری کنند.

به هر حال باید توجه داشت که موضوع حضرت مهدی (عج) و ظهور آن حضرت در آخرالزمان، پیش از آن که عقیده‌ای متعلق به شیعیان باشد، موضوعی اسلامی است و به اعتبار اسناد و مدارک می‌توان گفت که این موضوع آنقدر که در منابع و مآخذ اولیه اهل تسنن درباره آن از پیامبر (ص) روایت شده است در مدارک شیعه که در آن اوقات تدوین گردیده وجود ندارد. ۷. برای نمونه، مسند احمد حنبل (پیشوای فرقه حنبلی اهل سنت که هم‌عصر امامان نهم و دهم شیعه ع بوده است) احادیث مربوط به حضرت مهدی را ثبت و ضبط نموده است. گذشته از آن، راویان اولیه اهل سنت (محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج نیشابوری، ابن ماجه قزوینی، ابوداود سیستانی و ترمذی که همگی در قرن سوم ۲۵۶ تا ۲۹۷ در گذشته‌اند) روایات مربوط به حضرت مهدی را نقل کرده‌اند. ۸. بعلاوه در مورد امام مهدی (عج) در کتب اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرموده: کیف اتم اذنزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم: چگونه‌اید هنگامی که پور مریم در میان شما نازل می‌شود و امامتان از شماست. ۹.

و سعید بن مسیب گوید از ام‌سلمه همسر پیامبر خدا شنیدم که فرمود: المهدی من عترتی من ولد فاطمه: مهدی از عترت من و از اولاد فاطمه است. ۱۰. و ابراهیم از پدرش محمد بن حنفیه از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: المهدی منا اهل البیت، یصلحها... فی لیله: مهدی از ما اهل بیت است که خداوند در یک شب کار او را به صلاح می‌آورد. ۱۱. شاید بتوان گفت که یکی از موضوعاتی که علیرغم همه پرده‌پوشیها، اتفاق نظر عجیبی بین فرقه‌های مختلف مسلمانان درباره آن وجود دارد همین موضوع مهدی (عج) است. شهید مطهری می‌فرماید: اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزشهای انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایدآل، و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی بوسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی (با تفاوتها و اختلافهایی) بدان مؤمن و معتقدند. ۱۲.

به اجمال می‌توان گفت که اکثریت قریب به اتفاق علمای اهل سنت در معتبرترین کتب خویش به موضوع مهدی (عج) و همه جزئیات آن اشاره کرده‌اند، ۱۳. ضمن آنکه در انتساب آن حضرت به پیامبر مکرّم اسلام (ص) نیز شکی وجود ندارد. ۱۴. مضافاً اینکه بسیاری از آیات قرآن کریم، بنا به نظر مفسران با استناد به روایات رسیده از معصومین (ع) به دوره ظهور امام مهدی (عج) و ویژگیهای حکومت و دولت وی اشاره دارد که مطالعه درباره آنها به منابع ذیربط ارجاع می‌شود. ۱۵. به دلیل صراحت و وضوح متون اسلامی در خصوص ظهور مهدی (عج) و ذکر جزئیات آن، حتی از سال ۱۳۲ هجری یعنی ۱۵۰ سال پیش از ولادت آن حضرت کسانی ادعا کرده‌اند که همان مهدی که پیامبر گفته است هستند. ۱۶. این نکته نیز قابل ذکر است که توجه

و اعتقاد به مهدی (عج) منحصر به متقدمان نبوده و بسیاری از متأخران نیز به آن باور دارند. از جمله شیخ منصور علی ناصف، دانشمند معاصر جامع الازهر پس از جمع‌آوری احادیث مربوط به مهدی (عج) از پنج صحیح از صحاح ششگانه اهل سنت در باب هفتم کتاب خویش (در باره خلیفه مهدی رضی الله عنه) می‌نویسد: «در میان دانشمندان پیشین و پسین اهل تسنن مشهور است که باید در آخر الزمان مردی از دودمان نبوت به نام مهدی ظهور کند، و بر کشورهای اسلامی مسلط شود، و مسلمانان نیز از وی پیروی نمایند.»^{۱۷}

به هر حال یکی از مهمترین اهداف گفتگو بین ملل اسلامی عبارت است از احراز هویت واحد و وحدت امت اسلامی که دیگر اهداف و نتایج حاصله را می‌توان تبعات این هدف بنیادین دانست. در مورد هویت و وحدت می‌توان گفت که یکی از مهمترین ویژگیهایی که هر فرد و هر جامعه و بویژه هر تمدنی باید حائز باشد، هویت است. احراز هویتی خاص، مستلزم توجه به همه زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و انسانی است.^{۱۸} با عنایت به تفاوت‌های موجود بین فرقه‌ها و ملل اسلامی عناوین اصلی هویت امت اسلامی را می‌توان بر پایه عناوینی که منحصرأ برگرفته از تعالیم اسلامی است تدوین کرد و هویت جوامع مختلف را نیز در قالب ویژگیهای قومی، اقلیمی و فرهنگی گروه و از همه مهمتر در قالب هویت اسلامی پایه‌ریزی نمود. این عناوین عمده عبارت است از: عبودیت حق سبحانه و تعالی، توجه به معنویت و روحانیت حیات انسان و بهره‌گیری از جنبه مادی حیات در جهت تقویت جنبه معنوی، احترام به شأن انسانی و سعی در اعتلای کرامتهای انسانی، رهایی انسان از هر قیدوبندی جز بندگی حضرت احدیت جلّت عظمت، و... یکی از بارزترین عوامل وحدت یا هویت واحد عبارت است از اعتقاد به رهبری و منجی واحد و همچنین آشنایی با جامعه آرمانی واحد اسلامی.

یکی از توصیه‌های مهم در تعالیم قرآنی به

مسلمانان، تلاش در جهت وحدت امت اسلامی است و برای تحصیل و نمایش این وحدت نیز معیارهایی معرفی می‌شود.^{۱۹} هدف واحد برای انسان، که مبین بسیاری موضوعات دیگر از جمله ویژگیهای جامعه و رهبر آرمانی می‌باشد یکی از بهترین و عینی‌ترین جلوه‌های وحدت امت اسلامی است، که اگر این عینیت و نمایش همراه با آگاهی باشد خواهد توانست به تحصیل دیگر اهداف نیز کمکی شایان توجه کند. برای نمونه وحدت مسلمانان این پیام را به جهانیان خواهد داشت که باید با امت و تمدن اسلامی بعنوان يك موجودیت قدرتمند نگرست و با آن وارد گفتگو شد. این قدرت الزاماً قدرتی نظامی نخواهد بود و می‌تواند نمایشی از توانایی انسانی، معنوی و فرهنگی باشد، که اگر چنین باشد جهان تشنه معنویات امروز با میل و رغبت بیشتر به این گفتگو خواهد اندیشید و زمینه گفتگو از حیطة نخبگان و سران خارج شده و به میان ملت‌ها کشیده خواهد شد. شیعیان از امامان معصوم خویش (ع) آموخته‌اند که برای وحدت امت اسلامی از بسیاری حقوق خویش بگذرند و صلاح امت اسلامی را بر صلاح فرد و حتی جمعی بزرگ مقدم و مرجح بدانند. گذشته از آن، وحدت امت اسلامی از موضوعات اساسی و مهم تعالیم اسلامی است و خوشبختانه مروری اجمالی بر نظرات مختلف نشان می‌دهد که در نگرش به مهدویت و منجی بین فرق اسلامی زمینه‌های مناسبی برای وحدت نظر وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز امحای سایر تفاوتها و اختلافات قرار گیرد.^{۲۰}

دستیابی به وحدت ملل اسلامی متضمن ثمراتی خواهد بود که از جمله مهمترین آنها از میان رفتن آفتی است که امروزه گریبانگیر بسیاری از ملت‌ها می‌باشد و آن موضوع از خودبیگانگی است. از خودبیگانگی صفت یا پدیده‌ای است که اولاً در قرآن کریم بدان اشاره شده^{۲۱} و ثانیاً خود انسان عامل بروز و رشد آن است. وقتی انسان از خدا غافل شود و او را فراموش کند، رفته‌رفته خود و آنچه را مربوط به

○ از آنجا که اعتقاد به منجی در کنار آرزوی جامعه سعادت‌مند و عاری از ظلم و تبعیض یکی از ارکان مکاتب الهی است، بنابراین ویژگیهای جامعه آرمانی و چگونگی رسیدن به آن و همچنین ویژگیهای رهبری چنین جامعه‌ای از موضوعاتی است که می‌تواند بعنوان یکی از مهم‌ترین محورها مورد گفتگو میان تمدن‌ها قرار گیرد.

○ «دیالوگ»، گفتگو و مذاکره به معنای متداول نیست، بلکه هم سخنی است و درهم سخنی پیش از آن که زبان گشوده شود، گوش باید باز باشد؛ آن که گوش باز ندارد و خود را نیازمند شنیدن نمی‌داند، قاعدتاً سخنی هم برای گفتن نباید داشته باشد.

خود و فرهنگش است فراموش می‌کند و اهداف و آرزوهایش را در آنچه اجانب دارند و احتمال جلوه‌های شیطانی بودنشان نیز وجود دارد می‌جوید. از خودبیگانگی مقوله‌ای است که با ظهور و رشد تمدن مادی غرب گریبانگیر جوامع اسلامی بطور عام نیز گشته و عاملی در جهت رکود و جمود آنها و تشویق و ترغیبشان به تکرار و تقلید الگوهای غربی گردیده است.

با از میان رفتن از خودبیگانگی در جامعه، احساس حقارت موجود نیز تضعیف و محو خواهد شد. یکی از پیامدهای پیشرفت صنعتی و مادی مغرب زمین احساس حقارتی است که در جوامع شرقی و از جمله جوامع اسلامی بروز کرده است. این احساس بیشتر در کسانی رشد می‌کند که معیارهایی مادی را معیار اصلی سنجش و ارزیابی توسعه و رشد و پیشرفت قلمداد می‌کنند و از معیارها و جنبه‌های معنوی غفلت می‌ورزند. از تبعات نایل شدن به اهداف فوق، تجلی قدرتمندی مسلمانان در نظر بیگانگان، و رشد احساس شخصیت در مسلمین است که سبب خواهد شد اولاً مسلمانان به هنگام گفتگو بتوانند خود را بعنوان طرف واقعی گفتگو مطرح نمایند و ثانیاً بیگانگان در معادلات جهانی جای ویژه‌ای برای آنان در نظر بگیرند.

از دیگر نتایج وحدت امت اسلامی بر پایه مباحث و معیارهای معنوی، احیاء و تقویت معنویت است، زیرا یکی از مهمترین بحرانهایی که انسان امروز با آن مواجه است بحران هویت و به تبع آن بحران غفلت از بُعد معنوی حیات انسانی است. هدایت جامعه به سوی احیای معنویت خواهد توانست بر بحران هویت موجود تا حد زیادی فائق آید.

حاصل جملگی موضوعات یادشده منجر به احیای تفکر دینی اسلام بعنوان پایه و عامل هویت و حیات جوامع اسلامی خواهد بود. پس از ظهور انقلاب صنعتی و توسعه فنی و مادی تمدن مغرب زمین که با رشد تفکرات سکولاریستی همراه بود، این توهم برای بسیاری از ملت‌های اسلامی و از جمله سران و نخبگان آنها

به‌وجود آمد که عامل توسعه مادی غرب رشد تفکرات غیردینی و عامل عقب‌ماندگی مسلمانان حفظ و پیروی از سنت‌هایشان است. در این مقوله چند نکته قابل ذکر است: اولاً هیچ دلیل علمی و منطقی برای اینکه دین عامل عقب‌ماندگی و بی‌دینی یا لاقیدی در دین عامل توسعه و پیشرفت باشد وجود ندارد. ثانیاً مسلمانان نیز به همه دستورات دین مبین اسلام عمل ننموده‌اند که بتوانند آنرا دلیل عقب‌ماندگی خویش بدانند. برعکس، از مطالعه تاریخ چنین برمی‌آید که از يك سو مسلمین آن‌گونه که باید به مغز و مفهوم و معنای اسلام و تعالیم اسلامی توجه ننموده و تنها به ظواهر پرداخته‌اند، از سوی دیگر اسلام به معنای يك روش زیست که باید بر همه جنبه‌های حیات و فعالیت‌های مسلمانان حاکم و در آنها جاری و ساری باشد جای خویش را به برخی مسائل فردی و شخصی داده است، و این موضوعی است که ذهن غالب مصلحان و اندیشمندان مسلمان را در دو قرن اخیر سخت به خود مشغول داشته است. لذا یکی از مهمترین موضوعاتی که باید در جوامع مسلمان ترویج شود، احیای تفکر و روش زیست دینی است.^{۲۲}

۴- گفتگوی تمدن اسلامی با دیگر تمدنها

یکی از موارد مهم در گفتگوی تمدنها وجود موضوع مورد علاقه و اعتقاد مشترك بین طرفهای گفتگو است که یکی از آنها می‌تواند ویژگیهای جامعه آرمانی باشد. مروری اجمالی بر ادبیات اعتقادی ادیان و تمدنها بیانگر نقطه اشتراکی در مورد منجی موعودی است که هر جامعه و تمدنی به نحوی از انحاء انتظار او را می‌کشد. اصولاً فلسفه انتظار که به معنای مثبت در جهت آمدگی و مهیا بودن است، موضوعی است که ذکر فواید و محسناتش می‌تواند بستری برای گفتگو باشد. یکی از فجایع زندگی پرگرفتاری و سنگین امروز این است که مجال انتظار را از انسان گرفته است. انحطاط زندگی و انحصار همه وجوه آن در مادیت صرف و از

طرفی پیشرفت فنون و اقتصاد که همه نیازهای این انسان را در چنین زندگی‌ای برآورده می‌کند، او را سرگرم و سربند خویش کرده است. سرش به خوردن و چریدن و بلعیدن و از چنگ و دندان هم ربودن و بر روی هم پریدن و... [گرم شده] و اینها مجموعه فعالیت‌های او را تشکیل می‌دهد.^{۲۳} در واقع گفتگو در مورد فلسفه انتظار و زنده داشتن آن در جوامع گاهی در جهت توجه دادن آنها به معنویت و رهائیشان از مادیت مسلط بر زندگی معاصر است. برای این انتظار بزرگ جامعه بشری مشخصات و ویژگی‌هایی می‌توان برشمرد که اهم آنها از زبان شهید مطهری عبارت است از: خوشبینی به آینده بشریت، پیروزی نهایی صلاح و تقوا و صلح و عدالت و آزادی و صداقت بر زور و استکبار و استعباد و ظلم و اختناق و دجل (دجالگری و فریب)، حکومت جهانی واحد، عمران تمام زمین در حدی که نقطه خراب و آباد نشده باقی نماند، بلوغ بشریت به خردمندی کامل، حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین، برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر ثروت، منتفی شدن کامل مفاسد اخلاقی، منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون، سازگاری انسان و طبیعت.^{۲۴}

کتب دینی و اعتقادات مذهبی همه ادیان بر منجی و موعودی که روزی خواهد آمد و به بشریت را از ظلم و جهل نجات خواهد داد و به سعادت رهنمون خواهد شد تأکید دارد. در زیر به چند نکته اشاره و مطالعه بیشتر به منابع ذیربط ارجاع می‌شود. در کتاب معروف زند پس از ذکر مبارزه همیشگی ایزدان و اهریمنان می‌خوانیم: آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود، و اهریمنان را منقرض می‌سازند... پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، آدمیان بر تخت نیکبختی خواهند نشست.^{۲۵} همچنین در جاماسب‌نامه، جاماسب از زرتشت نقل می‌کند که: «مردی بیرون آید از زمین تازیان... مردی بزرگ سر، و بزرگ تن، و بزرگ ساق، و بر آیین نیای خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهاد،

و آبادانی کند و زمین را بر داد کند.»^{۲۶} در کتاب زند آمده است: لشگر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند، و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه بطوری که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند، چه: در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است به ایزدان که فرزندان اویند یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد. آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند، و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهند نشست.^{۲۷} در کتاب وشن جوک از کتب هندوها چنین آمده است: «سرانجام دنیا بر کسی برگردد که خدا را دوست دارد، و از بندگان خاص او باشد، و نام او فرخنده و خجسته باشد.» و در کتابی دیگر به نام «دیده» آمده است: پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر زمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد، و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود درآورد.^{۲۸} در کتاب باسک (یکی از کتب دینی هندوها) آمده است «دور دینی تمام شود بیادشاه عدلی در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد، و آنچه در دریا و زمینها و کوهها پنهان باشد همه را به دست آورد، و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید.»^{۲۹} برهمیان نیز به منجی معتقدند و در کتابشان آمده است: «دست حق در آید و جانشین آخر، ممتاناً، ظهور کند و مشرق و مغرب جهان را بگیرد همه جا، و خلاق را هدایت کند.»^{۳۰} در انجیل متی فصل ۲۴ آمده است: «چون که برق از مشرق بیرون آید و تا به مغرب ظاهر گردد، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود... خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می‌آید با قدرت و جلال عظیم، و فرشته‌ها (پاران) خود را خواهد فرستاد با صور بلندآواز و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند نمود.» و در فصل ۱۲ انجیل لوقا

○ «گفتگوی تمدن‌ها»
منحصر به تبادل کلام
نیست؛ همه علوم، فنون،
صنایع، هنرها، آداب و
رسوم و سنت‌های فرهنگی و
دینی و هر آنچه محصول
فکر و اندیشه بشر و حامل
پیامی باشد می‌تواند در
خدمت گفتگوی تمدن‌ها
قرار گیرد.

○ از خود بیگانگی
 عارضه‌ای است که با ظهور
 و رشد تمدن مادی غرب
 گریبانگیر جوامع اسلامی
 بطور عام نیز گشته و عاملی
 در جهت رکود و جمود آنها
 و تشویق و ترغیبشان به
 تکرار و تقلید الگوهای
 غربی شده است.

آمده است: «کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را فروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد بیدرنگ برای او باز کنید.»^{۳۱} این عقیده در میان چینپها و مصریان و دیگر ملل و تمدن‌ها و نحله‌های فکری رایج بوده و از جمله در میان قبایل سرخپوست آمریکایی این عقیده شایع است که روزی گرد سرخپوستان ظهور خواهد کرد و آنها را به بهشت زمین رهنمون خواهد شد.^{۳۲} در مزامیر داود از کتب عهد قدیم، مزمور ۳۷ چنین آمده است: «شیران منقطع خواهند شد، هان، بعد از اندک مدتی شیریر نخواهد بود، در مکانش تأمل واهی کرد و نخواهد بود، اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد... زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد.»^{۳۳} پرفسور هانری کرین با اشاره به یکی بودن امام منتظر و پاراقلیط (paraclet)، بشارت داده شده در انجیل یوحنا، از نظر شیخ حیدر آملی و کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی، اظهار عقیده می‌کند که: «دلیل این امر، آن است که با آمدن امام - پاراقلیط - دوره معنای صرف وحی‌های الهی، یعنی حقیقت دیانت که همان ولایت باقیه است، آغاز خواهد شد. به همین دلیل، فرمانروایی امام، زمینه‌ساز قیامت القیامات است.»^{۳۴}

در هر حال، در گفتگوی بیرونی که به بحث گفتگوی تمدن اسلامی و دیگر تمدن‌ها می‌پردازد، دو نکته مهم باید ملحوظ گردد. اول، همان‌گونه که مذکور افتاد جهان معاصر تشنه حقایق معنوی و روحانی است و بیان و توضیح ویژگیهای جامعه ایدآل و منجی، به هر طریق مجاز، گام مهمی در خدمت به جامعه بشری و تکلیفی الهی است. دوم، در این گفتگو شناسایی تجربیات و ایده‌های دیگر تمدن‌ها که تضادی با اصول و ارزشهای اسلامی ندارد باید مورد بهره‌گیری قرار گیرد که در این راستا گام نخست عبارت از تدوین معیارهایی برای ارزیابی ایده‌ها و الگوها و روشهای زیست رسیده از دیگر تمدن‌هاست؛

گرچه از راههای گوناگون و در زمینه‌های مختلف تعالیم اسلامی، می‌توان اصول و ارزشهای اسلامی را به جهانیان معرفی نمود، یا اینکه تعریف اسلام از ارزشها و اصول جهانی را به سایرین ارائه کرد. یکی از اساسی‌ترین آنها گفتگو در مورد ویژگیهای جامعه آرمانی انسانی و روش وصول به آن است زیرا اساساً اصولی تحت عنوان اصول جهانی (universal principles) وجود دارد که هر تمدن و جهانی‌بینی و ملتی تعریفی خاص خود از آنها ارائه می‌کند و این قلمرو مناسبی است برای تبیین نظر اسلام در مورد اصول جهانی.

۵ - ویژگیهای جامعه آرمانی

جامعه آرمانی و محیطی که جز حسن و زیبایی و خیر و نیکی و عدالت در آن وجود نداشته و عاری از ظلم و جهل و زشتی و تبعیض و شر باشد، مقصدی است که نه تنها مکاتب و انبیاء الهی در پی ایجاد آن بوده‌اند و به کار بستن دستورها و فرمان‌های الهی را متضمن وصول به آن دانسته‌اند، بلکه بسیاری از مصلحان و حکما و دانشمندان نیز به تبیین ویژگیهای آن پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، تجلی جامعه‌ای درخور حیات انسان و دور از بدیها و ظلمها و هر آنچه به حیات پاک انسان لطمه می‌زند همواره در قالب اندیشه‌هایی با نامهای مختلف از جمله مدینه فاضله، ناکجا آباد، اتوپیا، ... مورد توجه بوده است. افلاطون از نخستین کسانی است که نظریه مدینه فاضله را مطرح کرده و برای آن ویژگیهایی برشمرده است.^{۳۵} فارابی نیز مختصات مدینه فاضله مورد نظر خویش را در سیاست‌المدنیّه مطرح کرده است.^{۳۶} سنت آگوستین نیز از کسانی است که ویژگیهای شهر مطلوب و آرمانی خویش را با نام شهر خدا مطرح نموده است.^{۳۷} و توماس مور از مشاهیر دوره رنسانس انگلستان نام یوتوپیا (utopia) را بر مدینه فاضله و آرمانی خویش نهاده است.^{۳۸} اصولاً بسیاری معتقدند که محیط و فضای زندگی (و حتی کالبد آن) تجلی آرمانها و

خواستهای درونی انسان است، و او همواره در پی ایجاد محیط آرمانی خویش است و اینها که ذکر شد تنها آثار مکتوب معروفی است که به ایجاد مدینه‌ای فاضله اشاره دارد. حتی در قرون اخیر و پس از ظهور انقلاب صنعتی و مشکلاتی که در شهرهای صنعتی بروز نمود نیز، بسیاری افراد از جمله آون، ماتا، گارنیه، هاوارد، لوکوربوزیه، فوریه، ریچاردسن، کابه و پرودن به ارائه ایده‌هایی پرداختند،^{۳۹} تا از مشکلات شهرها بکاهند و در واقع به ایجاد جامعه آرمانی خویش مبادرت ورزیدند، که البته برعکس تمدنهای کهن که معانی معنوی و روحانی وجه اصلی ایده‌هایشان بود، اینها تنها به فکر جنبه‌های مادی حیات بودند.

بر تارک فهرست تبیین‌کنندگان ویژگیهای جامعه آرمانی و هادیان انسان به سمت چنین جامعه‌ای، نام پیامبران الهی می‌درخشد که هدف اصلی بعثتشان هدایت انسانها به سوی جامعه‌ای آرمانی و دور از ظلم و بری از حکمرانی نفس بوده است.

ویژگیهای جامعه آرمانی با روشهای گوناگون قابل تبیین است. یکی از روشها آن است که به ویژگیهای اشاره شده در متون و نصوصی همچون قرآن کریم و روایات معصومین (ع) برای جامعه مطلوب و آرمانی اشاره شود. روش دیگر آن است که مختصاتی که برای جامعه پس از ظهور مورد اشاره قرار گرفته شناسایی شود. و بالاخره این که به اصول مورد قبول و توجه جامعه بشری استناد شود. به نظر می‌رسد که در روند هر يك از این روشها، جدا از چگونگی طی مسیر در فهرست کردن ویژگیها، اختلاف چندانی وجود نداشته باشد. تنها تعاریف هر يك از ویژگیهاست که بنا به ایدئولوژی و فرهنگ هر تمدن ممکن است تفاوتها و اختلافاتی با یکدیگر داشته باشند که همین موضوع می‌تواند زمینه مناسبی برای گفتگوی تمدنها باشد. سخنان امام صادق (ع) در اصول کافی و ویژگیهای جامعه پس از ظهور حضرت مهدی (عج) را این گونه نشان می‌دهد: «ظهور حق و عدالت در بلاد، وحدت کلمه،

الفت بین دلهای پراکنده، عدم نافرمانی خدا، اجرای حدود الهی، و ظهور حق.»^{۴۰} بعلاوه، امام صادق (ع) در دعای خود (دعای عهد) از خداوند تبارک و تعالی مسئلت می‌کند که در آن زمان به ظهور مهدی شهرها را آباد فرموده و بندگانش را حیات بخشد.^{۴۱} امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید «يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى، و يعطف الرأى على القرآن اذا اعطفوا القرآن على الرأى»؛ [حضرت امام زمان (عج)] هواهای نفسانی را به متابعت هدایت الهی باز می‌گرداند، در روزگاری که هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی در آورده باشند. آراء و اندیشه را تابع قرآن گرداند در روزگاری که قرآن را تابع آراء و اندیشه‌های خود ساخته باشند.^{۴۲}

همه این موضوعات بویژه موضوعاتی همچون برابری عدالت، ایجاد امنیت، اهتمام در عمران و آبادی زمین، وحدت کلمه، صلح و دوستی و ارتباط منطقی با طبیعت موضوعات مورد علاقه و توجه جوامع و ملل مختلف است که بعنوان مختصات جامعه پس از ظهور نیز معرفی شده و می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای گفتگو باشد. در واقع بحث بین تمدنها حول محورهای مشخص مبین این واقعیت است که همه راهها به يك حقیقت ختم می‌شود، حقیقتی که جهان بشری در جستجوی آن است. به عبارت دیگر، اگر راهها واقعاً راه باشد نه چاه، و از طرف دیگر مشعل عقل و وجدان در آن راهها نصب شده باشد، سرانجام به حقیقت یا حقایقی می‌رسند که مشترکات آنها است.^{۴۳} بهرروى بدون ورود به مبانی و جزئیات این اجتماعات فاضله و آرمانی، به برخی ویژگیهایی که تفکر اسلامی برای جامعه آرمانی اسلام (بویژه پس از ظهور منجی و مهدی موعود (عج)) مطرح می‌نماید، بعنوان زمینه‌ها و موضوعات و بستری برای گفتگوی تمدنها اشاره می‌شود.

* عدالت : عدالت موضوعی است که همواره مورد نظر و آرمان همه جوامع و انسانها بوده و همگی مکاتب به نحوی از آن سخن گفته‌اند. فی‌المثل ارسطو معتقد است که عدالت

○ یکی از پیامدهای پیشرفت صنعتی و مادی باخترزمین، احساس حقارتی است که در جوامع خاوری و از جمله جوامع اسلامی بروز کرده است. این احساس بیشتر در کسانی رشد می‌کند که معیارهایی مادی را معیار اصلی سنجش و ارزیابی توسعه و پیشرفت می‌پندارند و از معیارها و جنبه‌های معنوی غفلت می‌ورزند.

○ یکی از مهمترین بحرانهایی که انسان امروز با آن روبروست بحران هویت و غفلت از بُعد معنوی حیات انسانی است. با هدایت جامعه به سوی احیای معنویت می توان بر بحران هویت موجود تا اندازه زیادی چیره شد.

و دادگری به يك اعتبار و به معنی اعم شامل كلّ فضایل است.^{۴۴} مروری اجمالی بر تعالیم اسلامی نیز بیانگر وسعت و گستردگی مفهوم عدالت است.^{۴۵} گذشته از آن، چون پدیده‌ها را از راه شناخت اضدادشان نیز می توان شناخت توجه به ویژگیهای ظلم، بعنوان مفهوم ضدّ عدل، می تواند به شناخت بهتر عدل کمک کند. از جمله در قرآن کریم مفاهیم و اعمالی چون «اعراض از آیات خدا، بی تقوایی، تبدیل حکم خدا، خوردن اموال به ناحق، سعی در خرابی مسجد، شرك، ناسپاسی، غفلت، فراموش کردن تذکرات خدا، کفر بعد از ایمان، مترف بودن، کفر به آیات الهی، دروغ پنداشتن آیات خدا و بسیاری اعمال نکوهیده و مذموم دیگر» بعنوان ظلم و به عبارت دیگر ضدّ عدل قلمداد شده است. و اما در مورد جامعه انسانی پس از ظهور امام مهدی (عج)، همواره عدل بعنوان یکی از ویژگیهای بارز آن ذکر شده است. روزی که مهدی موعود، امام قائم، قیام کند، به عدالت حکومت کند و در دوران حکومت او، در روی زمین از جور و ستم اثری یافت نشود، راهها امن گردد، زمین برکات خود را خارج سازد و هر حقی به صاحبش برمی گردد و در روی زمین پیرو هیچ دینی نمی ماند مگر اینکه اسلام می آورند و به ایمان اعتراف می نمایند.^{۴۶}

✱ امنیت : آیات متعدّد از قرآن کریم به مسأله امنیت می پردازد.^{۴۷} این نیز موضوع بسیار مهمی برای مطرح شدن در گفتگوی تمدن‌هاست. یکی از مهمترین بحرانهای عصر حاضر بین ملل و حتی برای افراد نبود امنیت و ایمنی است. با توجه به مطرح شدن بحث «گفتگوی تمدن‌ها» در مقابل تئوری «برخورد تمدن‌ها» و پذیرش آن از سوی جامعه جهانی، اهمیت امنیت و توجه و نیاز بشریت به آن نیز مشخص خواهد شد. امنیت موضوعی است که وجود انواع آن همواره مورد توجه تعالیم اسلامی بوده است که از ذکر جزئیات آنها اجتناب و مطالعه درباره آن به منابع ذی ربط ارجاع می گردد.^{۴۸}

✱ صلح و دوستی : برخلاف نظراتی که گاهی در مورد جنگ گرایبی اسلام و مسلمانان بیان می شود، اسلام دین صلح و دوستی است و تا حدّ امکان بر ثبات، صلح و اجتناب از جنگ پافشاری می کند. این نکته نیز قابل ذکر است که گرچه همه تمدن‌ها و فرهنگها و ملل از صلح می گویند و آنرا محترم و عزیز می شمارند و توصیه‌هایی در جهت حفظ و تحکیم آن دارند، لکن این تنها اسلام است که چهار ماه حرام دارد که در آنها (یعنی در ثلث هر سال) هرگونه آغاز جنگ را، حرام و تنها دفاع را مجاز می شمارد. مضافاً اینکه ریشه جنگها و خصومتها را یا در ظلم و تبعیض می توان جستجو کرد یا در ظلم‌ستیزی که در این حالت نام دفاع و جهاد بر آن می نهیم و طبیعی است که وقتی جامعه جهانی به عدالت رسیده و بری از ظلم باشد موردی برای ستیز نخواهد بود.

✱ برابری انسانها : اصولاً تفکر و تعالیم اسلامی نافی همه فخر فروشیها، قومگراییها و نژادپرستیهاست که اوج این تفکر را در آیه شریفه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر: ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید بدرستی که بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمانند و خدا کاملاً آگاه است»^{۴۹} می توان ملاحظه کرد. بعلاوه تعالیم معصومین (ع) نیز مشحون از تذکرات مربوط به برابری انسانهاست، از جمله در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر در مورد مردم آمده است که: «[مردم] یا با تو برادر دینند یا در آفرینش مانند تو هستند».^{۵۰} نگاهی به تاریخ اسلام و ائمه (ع) مبین این نکته است. «روزی [امام علی] با جماعتی از یکی از کوجهای کوفه می گذشت، دختری دید که دست پیرمردی نابینا را گرفته گدایی می کند، فریاد زد: این کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است. گفت: تا جوان بود و کار آمد، به او کار می دادید، اکنون فراموشش

۶- ویژگیهای منجی و رهبر جامعه آرمانی

همهٔ ادیان به علت داشتن جنبهٔ الهی و ماوراء طبیعی، هر يك بنا به مبانی خویش به ارتباط منجی و رهبر جامعهٔ آرمانی و ماوراءالطبیعه و خالق اعتقاد دارند. ادیان و مکاتب غیر الهی و حتی ضد دین نیز گرچه صراحتاً وجود یا اعتقاد به منجی را نفی می‌کنند لکن به جامعهٔ آرمانی معتقدند و برای دستیابی به آن برنامه‌هایی ارائه نموده و ویژگیهایی برای آن برمی‌شمارند.

برخی کسان^{۵۷} ضمن بیان و پذیرش اینکه ایمان داشتن به يك ناجی موضوعی است که انسانها همواره با هزاران نام در پی آن بوده‌اند، می‌خواهند عدم وصول به آن را تا کنون دلیلی بر فقدان آن قلمداد کنند درحالی که همین پذیرش جهانی در همهٔ ادوار و با هزاران نام دلیلی متقن بر وجود حقیقتی واحد است که بسیاری موضوعات و پدیده‌ها می‌تواند بعنوان پرده‌ای بر وضوح آن عمل کند و در نتیجه جوامع مختلف نامها و ویژگیهای متفاوتی برای آن قائل باشند.^{۵۸} اعتقاد به وجود يك منجی و مصلح که پس از رواج ظلم و فساد و تباهی و گمراهی در جهان، ظهور و جهان را از این بلیات و مصیبتها و شداید پاک و آنرا مناسب حیات سعادت‌مندان و عادلانه و پاک انسان خواهد کرد منحصر به شیعیان نیست و چنانچه گذشت همهٔ مسلمانان و پیروان ادیان الهی (یهودیان و مسیحیان و...) و اقوام مختلف (هندوها، مغولها و...) و حتی سرخپوستان آمریکایی به نوعی آنرا بیان می‌دارند.^{۵۹} نکتهٔ متمایز تفکر شیعی از دیگر ملل و ادیان در این است که این تفکر، منجی موردنظر و باور خویش را زنده و در میان جامعهٔ بشری می‌داند که فقط چشمها قادر به شناسایی او نیستند.

به هر حال موضوع ویژگیهای رهبری جامعهٔ ایدآل می‌تواند بعنوان یکی از موضوعات مورد گفتگو مطرح شود.

ویژگیهای منجی و رهبر جامعهٔ آرمانی را می‌توان در میان صفات و اهداف و آرمانهای جامعهٔ ایدآل انسانی جستجو نمود، ویژگیهایی

کرده‌اید، از بیت‌المال به او ماهیانه بدهید.»^{۵۱}

* حفاظت محیط زیست و آبادی زمین: طبیعت بعنوان تجلیگاه آیات علم و حکمت و قدرت الهی، بستر حیات انسان است. بر طبیعت قوانینی حاکم است که خدشه به آنها، سبب آسیب رسیدن به حیات سالم انسان می‌گردد. خوشبختانه لزوم هماهنگی با عالم وجود و بهره‌گیری از اصول و قوانین حاکم بر آن برای فعالیتهای انسانی به انسان معاصر ثابت شده است. با عنایت به نظرات اسلام در مورد طبیعت، و با توجه به شوق وافر جهانیان در حفظ و حراست از محیط زیست می‌توان از این موضوع نیز بعنوان بستری برای گفتگو استفاده کرد،^{۵۲} ضمن آنکه برای بسیاری نظرات و آراء ظاهراً نوظهور از جمله «شهر سالم» یا «توسعهٔ پایدار» با تتبع در متون اسلامی می‌توان تعابیر و مفاهیمی بسیار غنی‌تر و کاملتر استخراج و به جهانیان عرضه نمود.^{۵۳} توجه به طبیعت در واقع به مواردی چند معطوف می‌گردد که اهم عناوین آنها عبارت از: توجه به طبیعت و عناصر طبیعی به‌مثابه آیات الهی، بعنوان زمینه‌ساز تفکر و تذکر، و بعنوان دوری‌گزینی موقت از حیات مادی و ماشینی می‌باشد. آباد کردن زمین که یکی از وظایف انسان در زمین است (هو انشأکم من الارض و استعمرکم فیها)،^{۵۴} مورد توجه ائمه(ع) نیز بوده است؛ امیرالمؤمنین(ع) در نامهٔ خویش به مالک اشتر، یکی از وظایف او (والی) را به صلاح آوردن اهل آن سرزمین و آباد کردن شهرهای آن بیان می‌فرماید.^{۵۵} شهید مطهری آباد کردن تمام زمین به‌گونه‌ای که نقطهٔ آباد نشده باقی نماند، همراه با سازگاری انسان و طبیعت را دو مورد مهم از مشخصات ظهور مهدی(عج) می‌شمارد^{۵۶} که این مورد اخیر یعنی «سازگاری انسان و طبیعت» موضوع بسیار مهمی است که بی‌توجهی به آن پس از انقلاب صنعتی حیات بشر را تهدید می‌کند و امروز همهٔ ملتها و متفکران و دانشمندان آنها در پی اصلاح اشتباهات گذشته و حفاظت از طبیعت و در واقع ایجاد سازگاری بین انسان و طبیعت هستند.

○ پس از انقلاب صنعتی و توسعهٔ فنی و مادی غرب که بارشده تفکرات سکولاریستی همراه بود، این توهّم برای بسیاری از ملت‌های اسلامی و سران و نخبگان آنها به وجود آمد که عامل توسعهٔ مادی غرب، گسترش تفکر غیردینی و عامل عقب‌ماندگی مسلمانان، پیروی آنان از سنتها بوده است.

○ از مطالعه تاریخ چنین بر می آید که از یک سو مسلمانان چنان که باید به مغزو مفهوم اسلام و تعالیم اسلامی توجه نکرده و بیشتر به ظواهر پرداخته‌اند، از سوی دیگر اسلام به معنای یک روش زیست که باید بر همه جنبه‌های زندگی و فعالیت‌های مسلمانان حاکم باشد جای خود را به برخی مسائل فردی و شخصی داده است.

همچون عدالت، شجاعت، تقوی، خداترسی، کار کردن برای خدا، بری بودن از هوی و هوس و... برای رهبر الهی قابل تصور و معرفی است. یکی دیگر از منابع اصلی شناسایی ویژگیهای رهبر جامعه آرمانی را می‌توان ویژگیهایی دانست که تعالیم الهی اسلام برای شخص نبی اکرم(ص) و دیگر انبیاء الهی معرفی می‌فرماید، صفاتی همچون تقوی، خوشخویی، عدالت، استقامت، رحمت و مهربانی، چشم‌پوشی و عفو. البته باید توجه داشت که در مقوله گفتگوی تمدنها و گفتگو پیرامون ویژگیهای منجی الهی انسانها، ممکن است برخی از ویژگیها طرفدار و خواهان بیشتر داشته باشد که این ناشی از وضع موجود یا مسائل مبتلا به جوامع است. البته دیگر ویژگیها را نیز می‌توان بدون آنکه انکار شود برای مراحل و زمانهای مناسب حفظ نمود.^{۶۰}

۷- نتیجه‌گیری

گرچه بسیاری از موضوعات مربوط به جامعه آرمانی و رهبر آرمانی و رفتارهای جامعه بشری در طی مرحله انتظار ظهور منجی و وصول به اهداف مورد نظر می‌تواند زمینه‌های مناسبی برای گفتگوی بین تمدنها باشد، لکن مختصات بارز این انتظار در فرهنگ شیعه به همراه ویژگیهای تعریف شده‌ای که در مورد منجی به صورت مدون موجود است، پایه‌گذار فرهنگ و تفکری بوده است که طی قرون متمادی بعنوان یک زیربنای فکری همه فعالیت‌های شیعیان را جهت داده است. در واقع «ولایت» و «امامت» و «انتظار» بعنوان اصلی از اصول دین که در امتداد نبوت و توحید مطرح می‌شود فعالیت‌های فکری و فلسفی و سیاسی و هنری و علمی و اجتماعی شیعیان را هدایت نموده است. برای نمونه در مورد تأثیر این تفکر بر اصول هنر اسلامی، بورکهارت می‌نویسد: «شایسته است که چند کلمه‌ای را به روشن ساختن ماهیت تشیع اختصاص دهیم. آنچه که تشیع را به ویژه از اهل سنت و جماعت متمایز می‌سازد نظریه امامت

است که طبق آن قدرت و حجیت معنوی که پیغمبر به پسر عم و داماد خود علی(ع) افاضه کرده است در ائمه اطهار که از اهل بیت هستند، حفظ و ابقا شده است. آخرین امام شیعه - که طبق نظر شیعه اثناعشری دوازدهمین آنهاست - نمرده است، بلکه از انظار جهانیان پنهان مانده است و در عین حال با پیروان وفادار خویش ارتباط معنوی دارد. این نظریه تعبیر دینی یک حقیقت باطنی است: در هر جهان سنتی، در هر لحظه از تاریخ آن قطبی که به منزله قلب عالم است و به واسطه او برکت آسمان بر زمین نازل می‌شود، حکومت می‌کند. این قطب بیش از هر چیز مبین یک حقیقت معنوی و تمثیل نظام وجود است. وجود او همان حضور الهی در مرکز عالم - و یا در مرکز عالمی خاص و یا در مرکز نفس انسانی، به مقتضای مراتب مختلف است - ولی معمولاً مظهر و مثل حقیقی آن شخص ولی یا اولیا هستند که مقام معنوی آنها در سلسله مراتب مختلف هستی به منزله قطب عالم است. از این چند نکته روشن است که تشیع متضمن حقیقتی بسیار دقیق و لطیف است و بیان آن به عباراتی که معمولاً قابل قبول همه باشد، به غایت دشوار است.»^{۶۱} و این در واقع در همان جهتی است که هانری کربن برای تأثیر تفکر شیعی بر فلسفه اسلامی مطرح می‌نماید.^{۶۲} این آرمان بزرگ در زمینه اجتماعی نیز بعنوان پایه و رکن فلسفه اجتماعی مطرح است. آرمان قیام و انقلاب مهدی(عج) یک فلسفه بزرگ اجتماعی اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از این که الهامبخش ایده و راهگشا به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمانهای اسلامی. این نوید، ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی و جزیی از جهانیبینی اسلامی است، برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است، برخی اقتصادی است، برخی اجتماعی است، برخی انسانی، یا انسانی - طبیعی است.^{۶۳} و همین باعث می‌شود که معتقدان به این امر هیچگاه امید خود را از دست ندهند. «مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در

۱۵. از جمله آیه ۱۷ سوره حدید که حیات زمین پس از مرگش به دوره ظهور استناد شده است. همچنین آیات ۵۴ سوره مائده، ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۵ سوره قصص، و... در تفسیر آیه ۱۱۴ سوره بقره، یکی از وجوهی که برای «لهم فی الدنیا خزی» بیان می شود عبارت از این است که هنگام قیام مهدی و فتح قسطنطنیه آنها به دست او کشته می شوند (طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (ترجمه محمد مفتاح)، تفسیر شریف مجمع البیان (ج ۲)، فراهانی، تهران، ۱۳۵۰، ص ۴) همچنین رجوع کنید به مجلسی، محمد باقر (ترجمه محمدولی ارومیه ای)، مهدی موعود (۲ جلد) ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۷۶ و سعید، ۱۳۵۳، پیشین (۱۳).

هیچ شرایطی امید خود را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند.»^{۶۴}

نکته بسیار مهم که شاید فرصت به دست آمده در مقوله گفتگوی تمدنها بتواند تا حدی بر آن اثر بگذارد و آنرا اصلاح کند، غربتی است که تفکر شیعه و بویژه امام منتظر (عج) به آن مبتلا می باشند. این غربت موضوعی است که توجه جدی می طلبد. هانری کربن می گوید: «زمانی که در اروپا بودم، در ژنو کنفرانسی در موضوع [امام منتظر] طبق عقیده شیعه دادم و این مطلب برای دانشمندان اروپایی که حضور داشتند کاملاً نازگی داشت.»^{۶۵}

پی نوشتها و مراجع

۱. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۶۴.
۲. مثلاً رجوع کنید به نقی زاده، محمد، «الهام از مناسک حج در گفتگوی تمدنها»، روزنامه اطلاعات، شماره های ۲۱۶۹۷ و ۲۱۶۹۸ و ۲۱۷۰۲ و ۲۱۷۰۳ به ترتیب مورخ ۲۴ و ۲۵ و ۳۰ و ۳۱ مرداد ۱۳۷۸ (صص ۶).
۳. در مورد گفتگوهای دو طرفه و برخی ویژگیهای آنها رجوع کنید به نقی زاده، محمد، «چهره و کالبد شهر، ابزار گفتگوی تمدنها»، مجله کیهان فرهنگی، سال شانزدهم شماره ۱۵۳، تیر ۱۳۷۸ (صص ۲۵، ۳۲) و نقی زاده، محمد فرهنگ و شهر: بستر گفتگوی تمدنها، همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، مشهد، ۱۳۷۹.
۴. داوری اردکانی، رضا، «اسلام و علم دوستی»، نامه فرهنگستان علوم، شماره ۱۲-۱۳، تهران، فرهنگستان علوم ایران، ۱۳۷۸، ص ۱۲.
۵. در مورد سایر ویژگیهای مرتبط با گفتگوی تمدنها رجوع کنید به نقی زاده پیشین (۲)، و نقی زاده، محمد «فرهنگ و شهر: بستر گفتگوی تمدنها»، همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، مشهد، ۱۳۷۹.
۶. رجوع کنید به نقی زاده، پیشین (۲) بحث ریشه های گفتگوی تمدنها در تعالیم اسلامی. تعالیم قرآنی نیز به پیامبر اکرم (ص) دستور می دهد به غیر مسلمین موضوعاتی را متذکر گردد و از طرف دیگر مسلمین همواره به تماس با سایر ملل در جهت هدایت و ارشاد آنها و همچنین اخذ علوم و دانشها ترغیب شده اند.
۷. دوانی، علی، دانشمندان عامه و مهدی موعود،

○ بر خلاف نظراتی که گاهی در مورد جنگ گرایی اسلام و مسلمانان بیان می شود، اسلام دین صلح و دوستی است و تا حد امکان بر ثبات، صلح و خودداری از جنگ پافشاری می کند. گرچه همه تمدنها و فرهنگها و ملتها از صلح می گویند، اما تنها اسلام است که در سال چهار ماه حرام دارد که در آنها آغاز کردن جنگ حرام و تنها دفاع مجاز شمرده می شود.

- علی البر و التقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان...
مانده: ۲، عبادت خدا (ان هذه امتکم امه واحده و اناریکم فاعبدون، انبیا: ۹۲)، امر به معروف و نهی از منکر (ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر، آل عمران: ۱۰۵-۱۰۴)، سیر در صراط مستقیم الهی (و ان هذا صراطی مستقیماً فالتبعوه، انعام: ۱۵۳)، و برادری (انما المؤمنون اخوه فاصلحوا بین خودیکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون، انبیا: ۹۲).
۲۰. برای مطالعه در زمینه منابع نظرات مذاهب مختلف در مورد مهدی(عج) رجوع کنید به دوانی، پیشین(۷)، سعید پیشین(۱۳)، مجلسی پیشین(۱۵).
۲۱. «ولا تکنوا کالذین نسوا الله فانسهام اولئک هم الفاسقون: و شما مؤمنان مانند آنان نباشید که بکلی خدا را فراموش کردند خدا هم نفوس آنان را از یادشان برد آنان به حقیقت بدکاران عالمند». (حشر، ۱۹)
۲۲. مطهری، [شهید] مرتضی، احیاء تفکر اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ و اقبال لاهوری، محمد (ترجمه احمد آرام) احیاء تفکر دینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران و نقی زاده، محمد، «نقش فرهنگ اسلامی در احیاء جامعه اسلامی و رسالت دانشگاه در احیاء فرهنگ اسلامی»، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی جلد دوم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۷۹.
۲۳. شریعتی، علی، مجموعه آثار ۳۵.
۲۴. مطهری، ۱۳۹۸، پیشین(۱۲)، صص ۵۸-۶۱.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، «مهدی، انقلابی بزرگ»، به نقل از اطلاعات، ۲۱۷۷۹، اول آذر ۱۳۷۸.
۲۶. همان.
۲۷. صادقی، محمد، بشارات عهدین، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۶۲، صص ۲۳۸-۲۳۷.
۲۸. مکارم شیرازی، پیشین (۲۵).
۲۹. صادقی، ۱۳۶۲، پیشین(۲۷)، صص ۲۴۶.
۳۰. کتاب دداتک به نقل از مکارم شیرازی، پیشین(۲۵).
۳۱. مکارم شیرازی، همان.
۳۲. برنارد باربر جامعه شناس آمریکایی در کتاب نهضت منجیگری به نقل از مکارم شیرازی، همان.
۳۳. مکارم شیرازی، همان، همچنین رجوع کنید به صادقی، ۱۳۶۲، پیشین(۲۷).
۳۴. کرین، هانری (ترجمه جواد طباطبایی)، تاریخ فلسفه اسلامی، کویر، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۰۷-۱۰۸.
۳۵. افلاطون (ترجمه کاویانی، رضا و لطفی، محمد حسن)، جمهوری افلاطون، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۳.
۳۶. فارابی، ابونصر (ترجمه ملکشاهی، حسن)، السیاسه
- المدنیة، سروش، تهران، ۱۳۷۶.
۳۷. مجتهدی، کریم، فلسفه در قرون وسطی.
۳۸. مور، تامس (ترجمه آشوری، داریوش و افشار نادری، نادر)، آرمانشهر (یوتوپیا)، خوارزمی، تهران، ۱۳۷۳.
۳۹. برای نمونه رجوع کنید به گیدون، زیگفرد، فضا، زمان و معماری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵ و شوای، فرانسواز (ترجمه حبیبی، سید محسن)، شهرسازی، تخیلات و واقعیات، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۵.
۴۰. کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن اسحق (ترجمه سیدجواد مصطفوی)، اصول کافی (جلد ۲)، انتشارات مسجد چهارده معصوم ع، تهران، بی تا، صص ۱۳۰. کلام امام(ع) در پاسخ کسی که می پندارد از اصحاب امام بودن بر صحابه حضرت قائم(عج) بودن ارجح است چنین است: «سبحان الله شما دوست ندارید که خدای تبارک و تعالی حق و عدالت را در بلاد ظاهر کند؟ و وحدت کلمه پدید آورد؟ و میان دلهای پراکنده الفت دهد؟ و مردم خدا در روی زمین نافرمانی نکنند؟ و حدود خدا در میان خلقتش اجرا شود و خدا حق را به اهلیش برگرداند تا حق آشکار شود و از ترس هیچک از مردم پوشیده نگردد. (همان).
۴۱. «واعمر اللهم به بلادک واحی به عبادک»، قمی، عباس (گردآورنده)، مفاتیح الجنان، دعای عهد، انتشارات رشیدی - گلی، تهران، بی تا، صص ۱۰۷۷.
۴۲. [امام] علی ابن ابیطالب (ترجمه و شرح فیض الاسلام، سید علینقی)، نهج البلاغه (مجموعه خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه)، زرین، تهران، ۱۳۵۱، خطبه ۱۳۸، صص ۳۱۵-۳۱۴.
۴۳. جعفری، [علامه] محمدنقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (ج ۲۴)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، صص ۶۴.
۴۴. فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، زوار، بهران، ۱۳۷۲، صص ۹۱.
۴۵. از جمله رجوع کنید به قرآن کریم سوره نساء: ۵۸ و ۱۳۵، مائده: ۸، نحل: ۷۶ و ۹۰، و بسیاری آیات دیگر.
- «تحقیق یافتن عدالت جهانی به مفهوم دسترسی هر پدیده زنده ای به حق خویشتن، بزرگترین فلسفه ظهور امام عصر است و جالب این است که بزرگترین فلسفه ظهور در میان صدها روایت نبوی و احادیث پیشوایان معصوم برقراری عدل و گسترش آن توصیف شده است.» (علامه طباطبایی در مصاحبه با هانری کرین، به نقل از عقیقی بخشایشی، شعبان ماه نوید، در بقیه... (مجموعه

- مقالات)، آفاق، تهران، ۱۴۰۳، ص ۱۸۹).
۴۶. ارشاد، مرحوم مفید، صص ۳۴۳-۴، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، به نقل از الهامی، داود، نوید بهروزی، در بقیه‌ها... (مجموعه مقالات)، آفاق، تهران، ۱۴۰۳.
۴۷. «و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و امانا... بیادآر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امر دین خلق مقرر داشتیم...» همچنین رجوع کنید به سوره‌های قصص (۵۷)، عنکبوت (۶۷)، قریش (۴)، و ابراهیم (۳۵-۶).
۴۸. افزون بر مباحث امنیت در طباطبایی، [علامه] سید محمدحسین (ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان (جلد ۱۷)، محمدی، تهران، ۱۳۶۳، ذیل آیات ۱-۱۶ سوره توبه و طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی)، تفسیر المیزان (جلد ۲۹)، محمدی، تهران، ۱۳۵۶، ذیل آیات ۴۷-۵۷ سوره نور و سایر تفاسیر. در مورد اهمیت امنیت در محیط زندگی رجوع کنید به نقی‌زاده، محمد، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، هنرهای زیبا (مجله دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران)، شماره ۴ و ۵، زمستان و بهار ۱۳۷۷-۷۸.
۴۹. قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۱۳.
۵۰. نهج البلاغه، پیشین (۴۴)، صص ۹۹۴-۵، نامه ۳۵. همچنین آیه ۱۰ سوره حجرات به برادری مؤمنین اشاره می‌نماید.
۵۱. حکیمی، محمدرضا، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۷۲.
۵۲. نقی‌زاده، محمد، «نقش معنوی طبیعت در ظهور محیط زندگی اسلامی»، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، (۱۵-۱۶ آذر ۱۳۷۸، دانشگاه تربیت مدرس)، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.
۵۳. امین زاده، بهناز و محمد نقی‌زاده، «ریشه‌های توسعه پایدار در جهان بینی اسلامی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۵-۱۴۶، مهر و آبان ۱۳۷۸ (صص ۱۶۲-۱۷۰) و نقی‌زاده، محمد، «توسعه پایدار، شهر سالم و فرهنگ ایرانی»، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۷۹.
۵۴. قرآن کریم، سوره هود، آیه ۶۱.
۵۵. نهج البلاغه، پیشین (۴۴).
۵۶. مطهری، ۱۳۹۸، پیشین (۱۲)، صص ۶۰-۶۱.
۵۷. مانند مورتی، کریشنا (ترجمه مرسلده لسانی) «رهایی از دانستگی»، به نقل از جعفری، ۱۳۷۶، پیشین (۴۵).
۵۸. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به جعفری، ۱۳۷۶، همان.
۵۹. گلذبه‌ر، هاکس به نقل از الهامی، ۱۴۰۳، پیشین (۴۸).
۶۰. آنچه مسلم است صفات انسان کامل را می‌توان بعنوان ویژگی‌های منجی و مصلح مطرح نمود. شاید بتوان بارزترین ویژگی او را (بنا به فرمایش امیرالمؤمنین ع) برگرداندن مردم از پیروی هوی به سمت هدایت (راه انبیاء الهی) دانست. (رجوع کنید به جعفری، ۱۳۷۶، پیشین: ۴۵).
۶۱. بورکهاردت، تیتوس (ترجمه غلامرضا اعوانی) «نظری به اصول و فلسفه هنر اسلامی»، در علی تاجدینی (گردآورنده)، مبانی هنر معنوی، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۹.
۶۲. رجوع کنید به کرین، ۱۳۷۳، پیشین (۳۴).
۶۳. مطهری، ۱۳۹۸، پیشین (۱۲)، ص ۵۷.
۶۴. همان، ص ۷.
۶۵. طباطبایی، [علامه] سید محمد حسین، شیعه (مجموعه مذاکرات با پروفیسور هانری کرین)، انتشارات هجرت، قم.